

بررسی رابطه تحریف های شناختی و بهزیستی روان شناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق

محمد علی رحمانی^۱، ناصر امینی^۲، زهرا سیرتی ثابت فومنی^{۳*}

(۱) استادیار روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، تنکابن، ایران.

(۲) استادیار روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوشهر، بوشهر، ایران.

(۳) دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات بوشهر، گروه روانشناسی، بوشهر، ایران.

*نویسنده مسوول: z.siratisabet@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۲/۹/۲۴ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۲/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله ۹۳/۳/۴

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی رابطه تحریف های شناختی و بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی بین زوجین متقاضی طلاق شهرستان رشت انجام شد. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد. بدین منظور از جامعه آماری ۶۴۰ نفری ۱۸۰ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای برای انجام این پژوهش انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه تحریف های شناختی (۱۳۸۹)، بهزیستی روانشناختی ریف (۱۹۸۹) و دلزدگی زناشویی (۱۹۹۶) می باشد. جهت تجزیه تحلیل داده ها از آزمونهای آماری پارامتریک ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین بهزیستی روانشناختی و تحریف های شناختی با دلزدگی زناشویی رابطه وجود دارد. ($P < 0/01$). بین تحریف های شناختی و دلزدگی زناشویی نیز رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). بین مولفه های بهزیستی روانشناختی یعنی پذیرش خود، رشد فردی، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و دلزدگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون مشخص کرد که تحریف های شناختی و دو مولفه بهزیستی روانشناختی یعنی روابط مثبت با دیگران و زندگی هدفمند می توانند به عنوان بیش بینی کننده دلزدگی زناشویی عمل نمایند.

کلید واژگان: تحریف های شناختی، دلزدگی زناشویی، بهزیستی روان شناختی.

مقدمه

آنان به خاموشی گراید. ایس عنوان می کند زوج هایی که به تازگی ازدواج کرده اند کمتر به این فکر می کنند که ممکن است زمانی عشق افسانه ای آنها کمرنگ شود و این درست زمانی است که دلزدگی آغاز شده است. دلزدگی از عشق یک روند تدریجی است و به ندرت بطور ناگهانی بروز می کند (نیکل، ۲۰۰۶). در واقع صمیمیت و عشق به تدریج رنگ می بازد و به همراه آن احساس خستگی عمومی عارض می شود. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران، میزان طلاق در سال های اخیر رشد فزاینده ای داشته به طوری که این رشد از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۵ به ترتیب ۷/۲، ۷/۵، ۷/۹ درصد رسیده است. بیشترین فراوانی متقاضی طلاق در گروه سنی ۲۵-۳۱ سال و کمترین در مقطع سنی ۵۲-۵۸

رابطه زناشویی یکی از صمیمی ترین و خصوصی ترین انواع ارتباط انسانی و از نیازهای فطری بشر است. داشتن رابطه با همسر، می تواند سرچشمه احساس آرامش، حمایت و لذت برای هر کس باشد و این در حالی است که همین رابطه گاهی می تواند به منشا اضطراب، احساس ناکامی و نارضایتی تبدیل شود. زمانی که دو نفر با سلاقی و نیازهای مختلف در کنار هم قرار می گیرند، دوام و کیفیت زندگی به دانش، مهارت و هنر هر یک از آنها در تحکیم این ارتباط بستگی دارد (دیو، ۲۰۰۸) بسیاری از همسران زندگی مشترک خود را با عشق آغاز می کنند در این زمان هرگز به این موضوع نمی اندیشند که روزی ممکن است شعله عشق

سال می باشد. همچنین در پژوهشی که توسط سازمان بهزیستی در سال ۱۳۸۷ انجام شد مشخص گردید که بیشترین متقاضی طلاق در مقطع تحصیلی زیردیپلم و گروه سنی ۳۵ تا ۳۶ و ۳۰ تا ۳۴ سالگی قرار داشته اند. علاوه بر آن مشخص شد که ۱۴ درصد از زنان متقاضی، شاغل و ۸۶ درصد خانه دار بودند. وضعیت روانی زوج های ناراضی در آزمون های شخصیتی نشان می دهد که از افسردگی، عدم علاقه به زندگی و نگرانی رنج می برند. شوهران این زوج ها احساس نگرانی و اضطراب داشته و به آسانی خود را سرزنش می کنند. (قنبری و صالح زاده، ۱۳۸۷).

نوسانات رابطه زناشویی، عدم رضایت از آن و به دنبال آن شکل گیری طلاق، تحت تأثیر عوامل مختلفی ایجاد می شود. اگر نخواهیم عواملی همچون اختلافات سنی، خیانت طرفین، اعتیاد، مشکلات اقتصادی را در نظر بگیریم، یکی از مهم ترین عوامل مشکل ساز، باورهای غیر منطقی در روابط زوجین است که منجر به کاهش خودباوری، نظرمندی نسبت به همسر، احساس یاس و دلزدگی، ناکامی در مورد خود و دوست نداشتن خود می شود. بدون تردید باورها خمیره ای هر آدمی را شکل می دهند آدمی با باورهای خود زنده است و زندگی می کند. در واقع باورها نوع نگاه ما به اتفاقات محیطی است و تعیین کننده احساسات و رفتارهای روزمره مان. آرون بک از روانشناسان معروف، معتقد است که مهمترین علت مشکلات زناشویی و روابط انسانی، سوء تفاهم و خطاهای فکری و باورهای غیر منطقی است. به اعتقاد او تفاوت در نحوه نگرش افراد باعث بروز اختلافات بین زوجین می شود. با توجه به گذار جامعه ما از جامعه سنتی به صنعتی و مدرنیسم، مشکلات خانواده و آسیب ارتباطی و نقش ها یکی از معضلات مهم در حیطه بهداشت روان خانواده ها است. مراجعات فراوان به مراکز خانواده درمانی و مداخله در بحران و افزایش رفتارهای کمک خواهانه تخصصی نشان از وجود یک معضل جدی در بهداشت روان خانواده است. طلاق برآیند حادترین و جدی ترین مشکلات ارتباطی خانواده است. متأسفانه از نظر نسبت طلاق به ازدواج، ایران یکی از هفت کشور اول

دنیاست. براساس گزارش جامعه شناسان و روان شناسان، در سال های اخیر احساس امنیت، آرامش صمیمانه زن و مرد رو به سستی گراییده و خانواده به طور فزاینده ای با نیروی ویرانگر روبرو می شود (ستوده، ۱۳۷۹). ۲۲ درصد زنان در طول زندگی مشترک خود به علت کشمکش های خانوادگی آسیب می بینند (کاریاکو، آنگلین و تالیافرو، ۱۹۹۹). دریک مطالعه مقطعی ویسمن (۱۹۸۷) نشان داد که، افسردگی در افرادی که نگرانی و ناراضیاتی زناشویی بالایی دارند ۲۵ برابر بیشتر از افرادی است که دارای زندگی عادی هستند. شواهد زیادی وجود دارد که فقدان حمایت اجتماعی و عدم صمیمیت با افراد مهم زندگی نقش مهمی در شکل گیری افسردگی برعهده دارد (موسوی و همکاران، ۱۳۸۵). مشکلات زناشویی عامل خطر ساز مهمی برای بروز افسردگی است (تیچمن، بار - ال، شیروتا، الیزور، ۲۰۰۲). همچنین آشفتگی رابطه بین زن و شوهر موجب اضطراب و افسردگی در یکی و یا هر دو آنها می شود و در موارد دیگر بر شدت مشکلات موجود در خانواده ها می افزاید (بک، ۱۹۹۴، ترجمه: مهدی قرچه داغی، ۱۳۸۵). هر چند رضایت زناشویی و در مقابل آن ناراضیاتی زناشویی، بیشتر مورد علاقه درمانگران و مشاوران خانواده است. شناخت عوامل مرتبط با سازگاری و رضایت زناشویی به منظور افزایش بقاء و آرامش و رفاه زوجین می تواند برای همه سودمند باشد، چرا که سازگاری و رضایت زناشویی را عامل حفظ و نظام و تقویت حیات روانی خانواده دانسته اند (فینچام، بیچ، هارولد و اسبورن، ۱۹۹۷).

یکی از مدل های روانشناختی که اخیراً در تبیین مشکلات خانواده مطرح شده و بواسطه مبنای نظری و پشتوانه تجربی قوی آن مورد توجه قرار گرفته مدل شناختی است. مطابق با این مدل، افکار غیر منطقی و تحریف های شناختی عوامل مهم در ایجاد و تداوم رفتارهای پاتولوژیک هستند. اخیراً ادبیات پژوهشی در این حوزه اختصاصی تر شده و معطوف به باورهای ناکارآمد در مورد رابطه شده است. نمونه آن تفکر و باورها در مورد رابطه بین فردی با همسر،

روابط والدین و روابط فرزندان است. نتایج پژوهشی در تبیین یک مدل ساختاری عوامل شناختی، رضایت جنسی و کیفیت زندگی نشان داد که هم برای مردان و هم زنان عوامل شناختی و نگرش‌ها یک رابطه علی و متوالی بر رضایت جنسی، کیفیت رابطه زناشویی و پایداری ازدواج داشت. کار آزمایشی‌های بالینی نشان داد با اصلاح نگرش‌ها و تحریف‌های شناختی زوجین، رفتارهای ارتباطی کلامی و غیر کلامی اصلاح شد و پیگیری یک ساله هم اثرات پایدار اصلاح نگرش‌ها بر سلامت روابط را نشان داد. از نظر تئوریک اینگونه یافته‌ها دال بر ارتباط متغیرهای شناختی و روابط درون خانواده است. برخی مطالعات نشان داده‌اند که باورهای ارتباطی ناکارآمد با پاسخهای مخرب فعال، شامل تفکر منفی نسبت به رابطه، تهدید به ترک و سایکو پاتولوژی خانواده، ارتباط مستقیم دارد. از سوی دیگر تعریف سلامت روانی به این صورت است که هر انسانی که توانایی کنار آمدن با مسائل عمیق خود را دارا باشد و بتواند با خود و دیگران سازش یافته و در برابر تعارضهای اجتناب‌ناپذیر درونی خود ناتوان نگردد دارای سلامت روانی است (امیریان، ۱۳۹۱). در زندگی طبیعی انسان‌ها هیچ خط مستقیمی، سلامتی و اختلال را از یکدیگر جدا نمی‌کند. سلامتی چیزی است که باید دائم آن را ساخت و پابر جا نگهداشت. کار ساختن و پابرجا نگهداشتن سلامت موضوعی است که ما انسان‌ها هر روز با آن روبه رو هستیم. (هنرپروران، ۱۳۸۶). کرید و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین بهزیستی روانی و رضایت از زندگی در بین دانشجویان متأهل پرداخت. وی رضایت از زندگی را از عوامل مؤثر در بهزیستی روانی می‌داند. ماهونی و دیگران (۲۰۰۹) دریافتند هنگامی که همسران به روابط خود جنبه‌ی مقدس می‌دهند، رضایت زناشویی بالاتر و تعارضات کمتری دارند. - در پژوهشی که توسط نادری و همکاران (۱۳۸۹) تحت عنوان رابطه ویژگی‌های شخصیت و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتاد شهر اهواز انجام شد به این نتیجه رسیدند که بین ویژگیهای شخصیت و دلزدگی زناشویی و روابط صمیمی با رضایت

زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. به نظر اولسون و دیگران (۱۹۸۹) سه زمینه کلی رضایتمندی وجود دارد که با یکدیگر تداخل داشته و وابسته به یکدیگر می‌باشند که شامل: الف) رضایت افراد از ازدواج خوب، ب) رضایت از زندگی خانوادگی، ج) رضایت از زندگی به طور کلی می‌گردد (سلیمانیان، ۱۳۷۳). از این رو پژوهش حاضر هم به دنبال بررسی رابطه تحریف‌های شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با دلزدگی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق و رسیدن به این نکته که زنان متقاضی طلاق به چه میزان از بهزیستی روان‌شناختی برخوردار هستند، می‌باشد. از این رو سوال پژوهش حاضر این است که آیا بین تحریف‌های شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق وجود دارد؟

فرضیه اصلی: بین تحریف‌های شناختی و بهزیستی روان‌شناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های ویژه

- بین تحریف‌های شناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین رشد فردی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین پذیرش خود با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین روابط مثبت با دیگران با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین خودمختاری با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین تسلط بر محیط با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.
- بین زندگی هدفمند با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

نوع پژوهش: روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی می باشد.

جامعه و نمونه پژوهش: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق مراجعه کننده به کلینیک های خانواده و دادگستری و بهزیستی شهرستان رشت شامل ۶۴۰ نفر می باشند که با استفاده از جدول نمونه گیری مورگان ۱۸۰ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای برای انجام این پژوهش انتخاب شدند.

ابزار پژوهش: در این پژوهش برای سنجش متغیر مستقل از پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف، تحریف های شناختی و دلزدگی زناشویی استفاده شد.

پرسشنامه بهزیستی روانشناختی ریف را ریف در سال ۱۹۸۰ طراحی کرد. در این پژوهش از فرم ۸۴ سوالی آن استفاده شده است. بهزیستی روانشناختی دارای ۶ خرده آزمون پذیرش خود، رابطه مثبت با دیگران، خودمختاری، زندگی هدفمند، رشد شخصی و تسلط بر محیط است. در فرم ۸۴ سوالی هر عامل از ۱۴ سوال تشکیل شده است. در پژوهش زنجان طبعی (۱۳۸۳) با روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای کل آزمون بهزیستی روانشناختی برابر ۰/۹۴ و برای آزمونهای فرعی بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۹ بوده است.

ضریب همبستگی بدست آمده بر اساس روش باز آزمایی برای کل آزمون ۰/۷۶ است

پرسشنامه تحریف های شناختی توسط حسنی عبدالله زاده و سالار در سال (۱۳۸۹) ساخته شده است. پرسشنامه مورد نظر شامل ۲۰ عبارت است ضریب آلفای کرونباخ آن در پژوهش سازندگان این پرسشنامه ۰/۸۰ است می توان گفت این پرسشنامه از همسانی درونی خوبی برخوردار است. دلزدگی زناشویی پانز این پرسشنامه دارای ۲۱ سوال بوده و هدف آن ارزیابی ابعاد رفتار شهروندی افراد (نوع دوستی، وظیفه شناسی، جوانمردی، ادب و مهربانی، فضیلت مدنی) است. سطح ۱ معرف عدم تجربه عبارت مورد نظر و سطح ۷ معرف تجربه زیاد عبارت مورد نظر پانیز: ۱۹۹۶ ترجمه شاداب ۱۳۸۶ صفحه ۳۵۱ است.

یافته های پژوهش

فرضیه اصلی: بین تحریف های شناختی و بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد. پس از اجرای داده ها در بین گروه مورد بررسی، داده ها مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحلیل همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان داده شد.

جدول ۱. میانگین، انحراف استانداردها و همبستگی های متقابل برای تحریف های شناختی و بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
دلزدگی زناشویی	۲/۴۳	۰/۶۷	۰/۴۰**	۰/۲۰*	۰/۳۹**	۰/۳۵**	۰/۱۹*	۰/۴۳**	۰/۲۱*
متغیرهای پیش بین									
۱. تحریف های شناختی	۷۳/۰۳	۱۰/۸۴	-	۰/۱۱	۰/۱۶	۰/۲۱*	۰/۰۰۷	۰/۲۳**	۰/۲۹**
۲. پذیرش خود	۴۳/۶۸	۱۲/۰۶	-	-	۰/۲۹**	۰/۱۵	۰/۲۴**	۰/۰۵	۰/۲۶**
۳. روابط مثبت	۳۸/۴۴	۱۳/۶۵	-	-	-	۰/۳۰**	۰/۰۷	۰/۳۲**	۰/۳۰**
۴. خود مختاری	۳۸/۴۴	۱۳/۶۵	-	-	-	-	۰/۱۸*	۰/۲۶**	۰/۴۱**
۵. تسلط بر محیط	۴۷/	۹/۸۲	-	-	-	-	-	۰/۱۵	۰/۱۰
۶. زندگی هدفمند	۵۱/۶	۷/۹۵	-	-	-	-	-	-	۰/۲۲**
۷. رشد فردی	۴۹/۵۶	۱۲/۲۵	-	-	-	-	-	-	-

* p < ۰/۰۵ ** p < ۰/۰۱

جدول ۲. آزمون تجزیه و تحلیل واریانس برای معنی داری مدل

گام	SS	df	MS	F
۱ زندگی هدفمند	۷/۳۳	۱	۷/۱۵	۱۹/۴۸**
باقی مانده	۳۳/۱۱	۸۸	۰/۳۸	
۲ تحریف های شناختی	۷/۲۸	۲	۵/۶۴	۱۶/۸۳**
باقی مانده	۲۹/۱۶	۸۷	۰/۳۴	
۳ روابط مثبت با دیگران	۱۳/۸۳	۳	۴/۶۱	۱۴/۹۰**
باقی مانده	۲۶/۶۱	۸۶	۰/۳۱	

p** < ۰/۰۱

جدول ۳- خلاصه نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی دلزدگی زناشویی بر پایه تحریف های شناختی و بهزیستی

روانشناختی

B	SEB	Beta	R ²	ΔR^2	R ² (کلی)
گام ۱ مقدار ثابت	۳/۳۳	۰/۲۱	۰/۱۸**	-	۰/۳۲**
زندگی هدفمند	-۰/۰۲۲	۰/۰۱	-۰/۴۲۶		
گام ۲ مقدار ثابت	۱/۷۱	۰/۵۱	۰/۲۸**	۰/۱۰	
زندگی هدفمند	-۰/۰۱۸	۰/۰۱	-۰/۳۵۱		
تحریف های شناختی	-۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۳۲۱		
گام ۳ مقدار ثابت	۲/۱۵	۰/۵۲	۰/۳۴**	۰/۰۶	
زندگی هدفمند	-۰/۰۱۴	۰/۰۱	-۰/۲۷۱		
تحریف های شناختی	۰/۰۱۹	۰/۰۱	۰/۲۹۸		
روابط مثبت با دیگران	-۰/۰۱۳	۰/۰۱	-۰/۲۶۶		

زناشویی) را دارند؛ بنابراین مجاز به تحلیل و گزارش نتایج رگرسیون می‌باشیم. و جهت تعیین بهترین پیشبینی کننده دلزدگی زناشویی از بین متغیرهای پیشبینی کننده از مدل رگرسیون با روش گام به گام گزارش شده است.

نتایج رگرسیون به روش گام به گام، جدول فوق نشان میدهد که ابتدا زندگی هدفمند به عنوان قویترین متغیر پیش بین وارد مدل شده و توانسته است ۱۸ درصد واریانس متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) را تبیین کند؛ در گام دوم تحریف های شناختی به مدل اضافه شده است و این دو متغیر (زندگی هدفمند، تحریف های شناختی) توانسته

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقادیر همبستگی بین تحریف های شناختی و مولفه های بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی از نظر آماری معنی دار است (p < ۰/۰۱).

همانطور که در جدول فوق دیده میشود در سه گام مقادیر F بدست آمده معنی دار است (P < ۰/۰۱)؛ بنابراین مدل تا سه گام به صورت معنی دار جلو رفته و با اطمینان ۰/۹۹ نتیجه می‌گیریم که رابطه بین تحریف های شناختی و بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی از نظر آماری معنی دار است و متغیرهای پیشبین (تحریف های شناختی و مولفه های بهزیستی روانشناختی) قدرت پیشبینی متغیر ملاک (دلزدگی

است ۲۸ درصد واریانس متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) را تبیین کنند؛ در گام سوم روابط مثبت با دیگران به مدل اضافه شده است و این سه متغیر (زندگی هدفمند، تحریف های شناختی، روابط مثبت با دیگران) توانسته است ۳۴ درصد واریانس متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) را تبیین کنند. نتایج رگرسیون به روش همزمان R2 (کلی)، نشان داد که بهزیستی روانشناختی در مجموع توانسته است ۳۲ درصد واریانس متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) را تبیین کند.

همانطور که در جدول (۳) نمایان است در گام اول متغیر زندگی هدفمند، وارده مدل شده و با $p < /0.01$ ، نقش معنی داری را در پیش بینی متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) داشته است؛ بنابراین معادله دلزدگی زناشویی از روی متغیر زندگی هدفمند به قرار زیر بدست می آید.

(زندگی هدفمند) $-0.022 - 0.333 =$ دلزدگی زناشویی
در گام دوم زندگی هدفمند با $p < /0.01$ ، نقش معنی داری در پیش بینی متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) دارند.

(تحریف های شناختی) $+0.002 +$ (زندگی هدفمند) $0.18 =$ دلزدگی زناشویی

در گام سوم زندگی هدفمند با $p < /0.01$ ، تحریف های شناختی با $p < /0.01$ ، روابط مثبت با دیگران با $p < /0.01$ ، نقش معنی داری در پیش بینی متغیر ملاک (دلزدگی زناشویی) دارند.

(روابط مثبت با دیگران) $-0.013 -$ (تحریف های شناختی) $+0.19 +$ (زندگی هدفمند) $0.14 - 0.15 =$ دلزدگی زناشویی

بحث و نتیجه گیری

در بررسی فرضیه اول پژوهش، یافته ها نشان داد که بین تحریف های شناختی و بهزیستی روانشناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد

نتایج پژوهش های منجزی و همکاران (۱۳۹۰)، برغندان و قائمی حفانی (۱۳۸۹)، عبدالله زاده (۱۳۸۷)، غلامی (۱۳۸۸)، رجائی (۱۳۸۷)، فلاح و دیگران (۱۳۸۹)، یعقوبی (۱۳۸۹)، امیدوار و همکاران (۱۳۹۱)، بختیارپور و عامری (۱۳۸۹)، بریل هرت (۲۰۱۲)، ران-سوسان (۲۰۰۴)، هاجینسون و چاپمن (۲۰۰۴)، مک کیگانگاس، (۲۰۰۷)، سوینی و همکاران (۲۰۰۹)، کرید و همکاران (۲۰۱۰)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹)، کول (۲۰۱۰)، آریندل و همکاران (۲۰۱۱) نیز همسو با نتیجه بدست آمده در این تحقیقند. آنان نیز در مورد اثربخشی مداخله ی معنوی به شیوه های گروهی بر ارتقای بهزیستی روانشناختی و تحریف شناختی در زنان مبتلا به سرطان پژوهشی انجام دادند. باید گفت رضایت از زندگی زناشویی سبب می شود که نحوه عملکردهای افراد بهبود یابد افرادی که قادرند احساسات خود را ابراز کنند کمتر مضطرب و ناراحت می شوند و تصور بهتری از خود دارند این افراد از از بهزیستی روانشناختی مطلوبی برخوردارند. سازگاری اجتماعی و ابراز وجود بهتری از خود نشان می دهد و این مساله از اساسی ترین عوامل در رشد مطلوب شخصیت محسوب می شود.

در بررسی فرضیه دوم، یافته ها نشان داد که بین تحریف های شناختی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه معنی دار وجود دارد

نتایج پژوهش های نادری و همکاران (۱۳۸۹)، فلاح و دیگران (۱۳۸۹)، یعقوبی (۱۳۸۹)، امیدوار و همکاران (۱۳۹۱)، بختیارپور و عامری (۱۳۸۹)، بریل هرت (۲۰۱۲)، ران-سوسان (۲۰۰۴)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹)، کول (۲۰۱۰)، آریندل و همکاران (۲۰۱۱) نیز همسو با نتیجه به دست آمده در این تحقیقند آنان نیز نشان دادند در پژوهشی تحت عنوان رابطه ویژگی های شخصیت و روابط صمیمی همسر با دلزدگی زناشویی در همسران معتاد شهر اهواز انجام شد به این نتیجه رسیدند که بین ویژگی های شخصیت و دلزدگی زناشویی و روابط صمیمی با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. کرید و

حل مسائل زندگی و رسیدن به اهداف را حتر برخوردار می‌کنند و این امر منجر به سازگاری بهتر آنها می‌شود از این رو دلزدگی زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند، این نتیجه یافته‌های قبلی پژوهشهای کسب شده را تایید می‌کند.

در بررسی فرضیه چهارم پژوهش، یافته‌ها نشان داد که بین پذیرش خود با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش‌های امیدوار و همکاران (۱۳۹۱)، بختیارپور و عامری (۱۳۸۹)، بریل هرت (۲۰۱۲)، ران-سوسان (۲۰۰۴)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹)، نیز همسو با نتیجه به دست آمده در این تحقیقند آنان نیز در پژوهش خود ۲۰۷ دانشجوی در آستانه طلاق را در دوره آموزش مشاوره قبل از طلاق شرکت دادند. بررسی آنها نشان داد که آموزش مشاوره قبل از طلاق، انتظارات زناشویی را در زنان و مردان را به طور معناداری بهبود بخشیده است و همچنین آموزش مشاوره قبل از طلاق در دانشجویان در آستانه طلاق، ابعاد انتظارات شامل: انتظار از همسر به عنوان دوست و حامی، انتظار از زندگی زناشویی و انتظار از یک رابطه ایده آل را به طور معناداری بهبود بخشید. تأثیر این برنامه در مردان و زنان متفاوت نبود.

نتیجه بدست آمده را می‌توان چنین توصیف کرد که امروزه یکی از علل اصلی جدایی‌ها به ویژه در جوامعی مانند کشور ما که هم از نظر مذهبی و هم به لحاظ فرهنگی خصوصیات ویژه خود را دارد، عدم درک متقابل و پذیرش یکدیگر در میان زوج‌های جوان است. روابط بین زن و شوهر دارای جنبه‌های عاطفی، روانی و جنسی بوده و در کلیه این زمینه‌ها آگاهی و اطلاع زوج‌ها از نقش خود در ایجاد یک رابطه صحیح و ثمربخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فقدان پذیرش خود و دیگران لازم و اساسی در مواجهه با مسائل و مشکلات زندگی روزمره است. بنابراین پذیرش خود در بهبود و سلامت روان شناختی افراد مؤثر است. این توانایی‌ها فرد را برای مقابله مؤثر با موقعیت‌ها یاری می‌کند و شخص را قادر می‌سازد

همکاران (۲۰۱۰) به بررسی رابطه بین بهزیستی روانی و رضایت از زندگی در بین دانشجویان متأهل پرداخت. وی رضایت از زندگی را از عوامل مؤثر در بهزیستی روانی می‌داند.

نتیجه بدست آمده را می‌توان چنین توصیف کرد که گفت ثبات و سلامت خانواده در گروه داشتن مهارت‌های ارتباطی مناسب، همخوانی با یکدیگر، ایجاد آرامش و... است که باید با توجه به نیازهای یکدیگر، تحریف‌های شناختی و دلزدگی زناشویی را کاهش داد و موجبات رضایت یکدیگر را فراهم نمود پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سلامت روانی می‌تواند سبب افزایش میزان رضایت زناشویی، رفاه، ثروت، موفقیت، عشق و شادی گردد. داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی، روحانی و... همگی از جمله منابعی هستند که افراد با استفاده از آنها می‌توانند در مواجهه با حوادث فشارزای زندگی، دلزدگی و آسیب کمتری را متحمل شوند.

در بررسی فرضیه سوم پژوهش، یافته‌ها نشان داد که بین رشد فردی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش‌های منجزی و همکاران (۱۳۹۰)، فلاح و دیگران (۱۳۸۹)، یعقوبی (۱۳۸۹)، امیدوار و همکاران (۱۳۹۱)، بختیارپور و عامری (۱۳۸۹)، بریل هرت (۲۰۱۲)، کرید و همکاران (۲۰۱۰)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹)، کول (۲۰۱۰)، آریندل و همکاران (۲۰۱۱) نیز همسو با نتیجه به دست آمده در این تحقیقند آنان نیز نشان دادند در پژوهشی با هدف بررسی اثر بخش آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روانی و باورهای و تحریف‌های غیر منطقی بر بهبود زناشویی زوجین شهر اصفهان انجام دادند به این نتیجه رسیدند که اثر آموزش بر بهبود زناشویی و بهزیستی روانی زوجین شهر اصفهان مؤثر بوده است.

نتیجه بدست آمده را می‌توان چنین توصیف کرد که زوجینی که از رضایت بالایی در زندگی برخوردارند، در

در رابطه با سایر افراد، جامعه، فرهنگ و محیط خود به گونه مثبت و سازگارانه عمل کند.

در بررسی فرضیه پنجم پژوهش، یافته‌ها نشان داد که بین روابط مثبت با دیگران با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نتیجه بدست آمده با یافته‌های منجزی و همکاران (۱۳۹۰) ، کول (۲۰۱۰)، ماهونی و دیگران (۲۰۰۹) همسو می‌باشد. در تبیین نتیجه بدست آمده باید گفت که روابط بین انسانها، به طور کلی و ازدواج و زندگی زناشویی، به گونه خاص، یک بافتار سرشار از عاطفه هستند. مایر، کاروزو و سالوی (۲۰۰۴) معتقدند که اساسی‌ترین توانمندی هیجانی، دریافت و تشخیص دقیق عواطف است که به درک بهتر خود و دیگران کمک می‌کند. در ازدواج‌هایی که زوجین با هم در تعارض و تضاد هستند و دلزدگی زناشویی را تجربه می‌کنند، برانگیختگی‌های عاطفی زیادتر است. توانمندی ادراک دیگران منجر به بهبود روابط بین فردی می‌شود. مهارت همدلی و درک دیگران باعث می‌شود افراد برای فهم دلسوزانه از نیازهای بین فردی و تمایلات دیگران و فراخوانی رفتارهای باز، صادقانه، قابل احترام و اعتماد، مشترک، رفتارهای هم‌حسی، نظارتی و صمیمی با دیگران با سرعت و میزان بیشتر آماده می‌سازد. شات، مالوف، هال و همکاران (۱۹۹۸) در پژوهش خود نشان دادند، افراد با توانمندی‌های بالای در روابط مثبت با دیگران، در موقعیت‌های اجتماعی نمرات بیشتری را در همدلی، خودبازبینی و خودکنترلی کسب می‌کنند. این افراد پاسخ‌های همراه با بازی و مشارکت بیشتری را در مورد همسرانشان دارند. روابط نزدیک‌تر و محبت‌آمیزتری را از خود نشان می‌دهند و رضایت زناشویی بیشتری را در زندگی خود تجربه می‌کنند.

در بررسی فرضیه ششم پژوهش، یافته‌ها نشان داد که بین خودمختاری با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نتایج پژوهش‌های منجزی و همکاران (۱۳۹۰)، برغندان و قائمی حفانی (۱۳۸۹)، عبدالله زاده (۱۳۸۷)، غلامی

(۱۳۸۸)، رجائی (۱۳۸۷)، دای و ایکارت (۲۰۱۰)، مک کیگانگاس، (۲۰۰۷)، سوینی و همکاران (۲۰۰۹)، کول (۲۰۱۰)، نیز همسو با نتیجه به دست آمده در این تحقیقند آنان نیز نشان دادند که تفاوت معنی داری بین نگرش‌های ناکارآمد و باورهای غیر منطقی با خشونت و پرخاشگری در روابط خانواده دیده نشد. در پژوهشی که توسط بختیارپور و عامری (۱۳۸۹) تحت عنوان رابطه بین وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیر منطقی با دلزدگی زناشویی در بین دبیران متاهل شهر اهواز به این نتیجه رسید که بین وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیر منطقی با دلزدگی زناشویی دبیران رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

نتیجه بدست آمده را می‌توان چنین توصیف کرد که خودمختاری و استقلال نقش مرکزی در ازدواج ایفا می‌کند. به گونه‌ای که از لحاظ ویژگی‌های زناشویی مشخص شده است که داشتن استقلال و کارآمدی میان شوهر و همسر مهم ترین جنبه‌ی خانواده‌های دارای عملکرد مطلوب می‌باشد باید گفت رضایت از زندگی زناشویی سبب می‌شود که نحوه عملکردهای افراد بهبود یابد افرادی که قادرند احساسات خود را ابراز کنند کمتر مضطرب و ناراحت می‌شوند و احساس تنهایی کنند و تصور بهتری از خود دارند این افراد از بهزیستی روان شناختی مطلوبی برخوردارند. سازگاری اجتماعی و خودمختاری بهتری از خود نشان می‌دهد و این مساله از اساسی‌ترین عوامل در رشد مطلوب شخصیت محسوب می‌شود و این مساله سبب می‌شود که دلزدگی زناشویی کمتری در زندگیشان به چشم می‌خورد.

در بررسی فرضیه هفتم پژوهش یافته‌ها نشان داد که بین تسلط بر محیط با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد.

نتیجه بدست آمده با یافته‌های منجزی و همکاران (۱۳۹۰)، عبدالله زاده (۱۳۸۷)، غلامی (۱۳۸۸)، رجائی (۱۳۸۷)، دای و ایکارت (۲۰۱۰)، کول (۲۰۱۰)، همسو می‌باشد. در تحقیقی که توسط غلامی (۱۳۸۸) انجام پذیرفت بین

آشفته توقعات غیر واقع بینانه ای است که زن و شوهر نه صرفاً در مورد خود یا دیگران بلکه درباره خود مسولیت پذیری دارند و مشکلات ارتباط فعلی افراد را بازتاب مسائل خانواده اصلی آنها میداند. به اعتقاد او ما نمیتوانیم همسرمان را واضح و شفاف ببینیم و تصاویری را بر او فراقکنی می‌کنیم. بنابراین، تعامل بین این فراقکنیهای متقابل موجب مشکلات زوج‌ها می‌شود. زیرا زن و شوهر در مورد مسائل واقعی خود بحث نمی‌کنند، بلکه در مورد فراقکنیها و تصاویر ذهنی مرتبط با روابط قبلی به بحث می‌پردازند. از دید سیستمی، اکثر زوج‌ها به این دلیل دچار تعارض می‌شوند که هرکدام سعی می‌کند مسولیت را به کس دیگری واگذار کند. بنابراین باید گفت که اگر زوجی بتواند با روش‌های صحیح ارتباط برقرار کند نه تنها ارتباط مؤثری با هم خواهند داشت بلکه دلزدگی آنان کاهش می‌یابد. از طرفی صمیمیت و همراهی عاطفی زن و شوهر، حساسیت آنها را نسبت به هم بالا برده در نتیجه باعث می‌شود آمیزش عاطفی آنها نیز بالا رود. به عبارت دیگر بخش مهمی از روابط بین فردی به عواطف و هیجانات افراد و نحوه برخورد با آنها باز می‌گردد.

منابع

- احمدی نوده، خ، فتحی آشتیانی، ع، اعتمادی، ا. (۱۳۸۳). بررسی تأیید روش مداخله‌ای حل مشکل خانوادگی برای کاهش ناسازگاری زوجین. مجله روانشناسی، ۸(۴)، ۴۰۳، ۳۸۹.
- استورات، یان و جونز، ون. روش‌های نوین در روانشناسی تحلیل رفتار متقابل ترجمه بهمن دادگستر (۱۳۸۵)، تهران، نشر دایره، چاپ چهارم.
- بنادیان شایسته، پروین، ندا. کاظمیان، افسانه، (۱۳۸۴). بررسی ارتباط سلامت روان و رضایت زناشویی زنان متأهل، مجله علمی دانشکده ی پرستاری و مامایی. همدان، دوره ۱۶، شماره ۲: پاییز و زمستان ۸۷
- بوستون، رابرت. روان‌شناسی روابط انسانی. ترجمه ی حمیدرضا سهرابی و افسانه حیات روشنائی (۱۳۸۴). تهران انتشارات رشد، چاپ سوم.
- ثنائی ذاک، باقر (۱۳۷۹)، روان درمانی و مشاوره گروهی، انتشارات چهر
- جونز، ون، استورات، ی. ۱۳۸۲. روش‌های نوین در روانشناسی تحلیل ارتباط متقابل (ترجمه ب. دادگستر). تهران نشر واحدی

بهبودی روانی و رضایت جنسی زوجها نیز رابطه‌ی مثبت به دست آمد و نشان داد که بهبودی روانی به عنوان یک متغیر پیش‌بینی کننده می‌تواند نقش مهمی در ارتباط با روابط زناشویی زوجها و رضایت از آن داشته باشد.

نتیجه بدست آمده را می‌توان چنین توصیف کرد که ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است و به عنوان عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال همواره مورد تأیید بوده است. در بررسی نتایج فوق باید گفت که رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل در تداوم یک زندگی شاد محسوب می‌شود. که مسائلی چون عوامل دفاعی و مقابله‌ای روابط موجود را تضعیف می‌کند. در شناسایی عوامل مؤثر در رضایت زناشویی با توجه به ادبیات پژوهش که موفقیت در ازدواج مستلزم توانایی و مهارت‌های خاص (مانند نحوه تفکر، ادراک فرد از خود و دیگران، انتظارات فرد از زندگی، ویژگی‌های شخصیتی و هیجان‌ها، شیوه‌های مقابله و غیره) در طرفین است که همه آنها نیز آموختنی هستند.

در بررسی فرضیه هشتم پژوهش، بین زندگی هدفمند با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه وجود دارد

نتیجه بدست آمده با یافته‌های یعقوبی (۱۳۸۹)، برغندان و قائمی حفانی (۱۳۸۹)، عبدالله زاده (۱۳۸۷)، غلامی (۱۳۸۸)، رجائی (۱۳۸۷)، دای و ایکارت (۲۰۱۰)، مک کیگانگاس (۲۰۰۷)، همسو می‌باشد. یعقوبی (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه تحریف شناختی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان نشان داد که بین میانگین گروه‌های مختلف دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنا که با کاهش نمره ی تحریف شناختی میزان شادکامی نیز افزایش نشان می‌دهد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که تعارض در روابط صمیمی امری طبیعی است و طلاق از این قاعده مستثنی نیست زیرا تعاملات مکرر و مختلف زوجین زمینه‌های بی‌شماری را برای تعارض فراهم می‌کند، دیدگاه عقلانی-عاطفی- رفتاری مدعی است که دلیل تعاملات زناشویی

- Slavik,S., Carlson. H, & Sperry, L, (2007). Alderian Marital therapy with the passive aggressive partner. *American Journal of Family Therapy*, 20(1), 25-35.
- Thomson. D. G, Gilbert, D (2007). Department of psychology, university of Washington office of News & Information. (www.uwnews.org)
- Patrik, Shown. Sells, James N. giordano , F ran G. tollerud, Toni R. (2007).
- Intimacy, differentiation, and personality variables of predictors of Marital satisfaction. *The Family Journal*, vol. 15. No.4,359-367 (2007).
- حاجی سید نصیر، مهین السادات، (۱۳۸۱). بررسی تأثیر مشاوره ی گروهی با رویکرد تحلیل ارتباط محاوره ای بر منبع کنترل و خود پنداره دانشجویان دختر دانشگاه های تهران. پایان نامه ی کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد علوم و تحقیقات.
- خیاوی، سیامک، (۱۳۷۶) بررسی تأثیر مشاوره ی گروهی با رویکرد تحلیل ارتباط محاوره ای بر کاهش اضطراب دانش آموزان دبیرستان های پسرانه مشکین شهر پایان نامه ی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی.
- دلاور، علی، (۱۳۸۳)، روش تحقیق در روانشناسی علوم تربیتی. تهران: نشر ویرایش، چاپ چهاردهم.
- سلامت، م، (۱۳۸۴)، بررسی تأثیر مهارت های ارتباطی با استفاده از روش تحلیل ارتباط محاوره ای بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین شهر اصفهان، پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی مشاوره. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- شفیع آبادی، عبدالله، (۱۳۸۵)، نظریه مشاوره و روان درمانی. تهران: نشر دانشگاهی، چاپ دوازدهم.
- صداقت، هیس (۱۳۸۲)، بررسی رابطه بین سن روابط زناشویی، فامیل، غیر فامیل بودن روابط زناشویی، تعداد فرزندان و تشابه اعتقادی با رضایت دبیران مرد و زن، پایان نامه ی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- عزیزی پریسا (۱۳۸۵). بررسی اثر بخشی درمان گروهی با رویکرد تحلیل ارتباط محاوره ای بدن بر کاهش تعارضات زناشویی زنان در تهران. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- کارسون، جان و اسپری، لن (۲۰۰۰) خانواده درمانی. تضمین کارآمد، ترجمه شکوه نوایی نژاد، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- گرچی، هاجر (۱۳۸۷)، بررسی اثربخشی گروهی به شیوه ی ل تعارض بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین در آستانه ی طلاق و تحت پوشش کمیته ی امداد امام خمینی ره شهر تهران. پایان نامه ی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات.
- لقایی، خدیجه، (۱۳۸۶)، بررسی تأثیر مشاوره گروهی با رویکرد تأثیر رفتار متقابل بر سازگاری دانش آموزان دختر مقطع متوسط شهرستان رباط کریم در سال تحصیلی ۸۶-۸۵. پایان نامه ی کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، اشتغال و طلاق (آنلاین) قابل دسترسی در <http://www.google.com>
- هریس، تامس آ، وضعیت آخر، ترجمه ی اسماعیل فصیح (۱۳۸۵)، تهران: انتشارات زیریاب، چاپ ۲۲. یحیی آبادی، هوشنگ (۱۳۸۴). تو خوب هستی (دریچه ای به زندگی همراه با تعدیل رفتار متقابل)، اصفهان، انتشارات نقش نگین.
- Kazako,N (2005). How TA is applied in clinical psychology. Social work. Kelly,J (2000). Children,S Adjustment in conflicted Marriages.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 5, No. 2, summer 2014, No 18



Journal of Educational
Psychology

Investigate the relationship between cognitive distortions and psychological well-being with marital disenchantment in couples applicant divorce

MohammadAliRahmani¹, NaserAmini², Zahra SiratiSabetFoumani^{3*}

1) Assistant Professor. Islamic Azad University. Tonekabon Branch. Tonekabon, Iran .

2) Assistant Professor. Islamic Azad University Science and Research Bushehr Branch. Bousher. Iran

3) M.A Educational Sciences Clinical Psychology. Department of Psychology Science and Research branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

*Corresponding author: z.siratisabet@gmail.com

Abstract

This research aimed to investigate the relationship between cognitive distortions and psychological well-being with marital disenchantment in couple's applicant divorce in Rasht. The correlation method is used in this study. The population is all 640 couples applicant divorce referred to family clinic, Justice and Welfare in Rasht. Using the Morgan tables, 180 subjects were selected by cluster sampling method for this study. Data collection tool is cognitive distortions questionnaire (2010), Ryff psychological well-being (2010) and marital disenchantment (1996). For data analysis, Pearson correlation coefficient and multiple regression parametric tests was used. The results showed that there is a relationship between psychological well-being and cognitive distortions to marital disenchantment ($p < 0.01$). There is a significant positive correlation between cognitive distortions and marital disenchantment ($p < 0.01$). There is a significant negative relationship between the psychological well-being components that is self-acceptance, personal growth, positive relations with others, autonomy, environmental mastery, purpose in life and marital disenchantment. Regression analysis also revealed that cognitive distortion and the two components of psychological well-being, namely positive relations with others and purpose in life can act as marital disenchantment predictor.

Key words: Cognitive distortions, marital disenchantment, Psychological well-being.
